

تأثیر سنت ادبی بر عملکرد مترجمان ادبی

مسلم فتح اللهی

علیرضا جمالی منش

دانشجویان کارشناسی ارشد مطالعات ترجمه

دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

بی تردید سنت ادبی هر دوره بر کار مترجمان ادبی دوره های بعد نیز تأثیر گذار است. از همین روی، می توان تأثیر ادبیات دوره قاجار را بر آثار مترجمان عصر حاضر مورد بررسی قرار داد. در این نوشتار به تحلیل و بررسی ترجمه ی دریابندری از رمان بازمانده ی روز پرداخته ایم. استیونز - راوی و شخصیت اصلی رمان «بازمانده روز» - خدمتکاری است که عمر خود را صرف خدمت به طبقه ی اشراف انگلستان کرده است. در این نوشتار، نحوه ی بازآفرینی لحن کلام استیونز در ترجمه ی دریابندری را مورد بررسی قرار داده ایم. بررسی های صورت گرفته حاکی از آن است که دریابندری لحن کلام شخصیت اصلی داستان را با استفاده از لحنی معادل به شیوه ای هنرمندانه در ترجمه ی خود بازآفرینی کرده است. دریابندری برای انتقال هر چه بهتر لحن کلام شخصیت اصلی داستان از لحن رسمی و چاپلوسانه ی منشیان و خدمتکاران قجری بهره گرفته است. بسیاری از واژه ها و ترکیبات بکار رفته در ترجمه ی رمان «بازمانده ی روز» را در متون منشور دوره قاجار - همچون خاطرات ناصرالدین شاه و خاطرات اعتماد السلطنه - می توان یافت. اگرچه واژگان و تعبیری که در ترجمه ی این رمان بکار رفته اند در زبان فارسی امروز به کلیشه هایی کهنه و مستعمل تبدیل شده اند، دریابندری با هنرمندی خود به این تعبیر جانی تازه بخشیده و آنها را در بازآفرینی لحن کلام در ترجمه خود به کار گرفته است. بر اساس نتایج بدست آمده، آشنایی مترجمان ادبی با سنت ادبی دوره های

پیشین در موفقیت آنان تاثیر بسزایی دارد. این مسأله نشان دهنده زمینه‌های همکاری میان پژوهشگران حوزه ادبیات فارسی و مطالعات ترجمه است.

کلید واژه‌ها: ادبیات دوره قاجار، ترجمه ادبی، دریابندری، بازآفرینی لحن، همکاری‌های بینارشته‌ای

مقدمه

لحن ایجاد فضا در کلام است. شخصیت‌ها در زبان خود را بیان می‌کنند و به خواننده می‌شناسانند. از این رو لحن، مفهومی نزدیک به سبک دارد. شخصیت‌ها را از طریق لحن آنان می‌شناسیم و با آنان رابطه ایجاد می‌کنیم. البته گاهی یک شخصیت واحد ممکن است لحن‌های مختلفی داشته باشد. به هر حال، لحن نقطه نظر و دید نویسنده نسبت به موضوع داستان است. لحن می‌تواند، رسمی، غیر رسمی، صمیمانه، مؤدبانه، جدی، طنز دار و ... باشد و از این رو لحن با تأثیر گذاری داستان، رابطه دارد. (برگرفته از سایت تبیان)

محمد قاضی، یکی از ویژگی‌های یک ترجمه خوب ادبی را رعایت لحن کلام متن اصلی می‌داند: مترجم ممکن است متن را فهمیده باشد، ولی لحن کلام را دریافته باشد. ما در فارسی مثلی داریم که می‌گوییم بفرما و بنشین و بتمرگ هر سه به یک معنی است، ولی میان لحن کلام "بفرما" با لحن "بتمرگ" زمین تا آسمان فرق است. حال اگر مترجم محترم "بفرما" را "بنشین" یا "بتمرگ" یا برعکس، ترجمه کند، مفهوم متن را رسانده ولی لحن متن اصلی را مراعات نکرده است (قاضی، ویژگی‌های یک ترجمه خوب، ۱۳۶۷).

امیر جلال الدین علم، نیز در گفت و گو با خبرنگار روزنامه شرق، به بیان انواع لحن کلام و شیوه بازآفرینی آنها در ترجمه می‌پردازد:

ترجمه برحسب آنکه ترجمه داستان (*fiction*) باشد یا ناداستان (*non-fiction*) دو لحن عمده دارد. در خود عرصه‌های داستان و ناداستان هر کدام لحن‌ها مختلف است. معمولاً لحن داستان‌های روزگاران پیشتر مانند «دون کیشوت»، «بینوایان» یا «برادران کارامازوف» با لحن بسیاری از داستان‌های روزگار ما، مانند بیگانه، وداع با اسلحه یا موش‌ها و آدم‌ها تفاوت می‌کند. دسته اول نحو روایی کمابیش پیچیده تری دارند. باری، داستان‌های روزگار خود ما هم به حیث لحن و نحو روایی اختلاف‌های بسیار با یکدیگر دارند. مثلاً کافکا به ویژه در «محاکمه» و «قصر» نحوی پیچیده و لحنی رازناک و تب‌آلود دارد. ولی لحن و نحو کامو مانند

رودی کم پیچ و تاب است و نرم نرم می رود. لحن کارهای ناداستانی طبعاً همیشه پیچیده و غامض است، به ویژه اگر در زمینه فلسفه باشند، فرق نمی کند کدام رشته ای از فلسفه: خواه درباره شناخت باشد، خواه هستی یا هنر یا علم. ولی در این حیطة نیز لحن و نحو کسانی مانند سارتر در «هستی و نیستی»، سیمون دوبووار در «جنس دوم» و کامو در «انسان شورنده» فرق بسیار دارد با لحن و نحو اندیشه گرانی چون لاک و هیوم و پوپر. سه نفر اول سبکی چکیده و موجز (هر چند نه ساده) دارند و دسته دوم سبکشان مفصل و پر خم و چم است. بر مترجم فرض است که لحن این دو گونه نوشتار به ویژه داستان را تا می تواند در ترجمه اش نگه دارد. این شدنی نیست جز با مطالعه فراوان و پیگیر در ادبیات داستانی و ناداستانی فرا آورده شده در زبان مادری اش (روزنامه شرق، ۱۷ اسفند ۱۳۸۷).

احمد پوری، مترجم برجسته، نیز یکی از ویژگی های برجسته مترجمان ادبی حرفه ای را توانایی آنها در بازآفرینی لحن در ترجمه می داند:

دست کم یکی از چند عاملی که برای «مترجم خوب» از واجبات است و بعضاً اصلاً به خاطر آن اثری را جهت ترجمه انتخاب می کنند، «لحن» یک متن است. واقعاً نمی دانم در کتاب ها و کلاس های مختلف داستان نویسی تا چه حد به این عنصر پرداخته می شود، ولی شخصاً معتقدم «لحن» یکی از معیارهای اصلی سنجش آثار خلاقه ادبی (شعر، داستان، رمان، نمایشنامه و فیلمنامه) می تواند و باید که باشد. «لحن» با ساختار، صدا، گرامر، یا نحوه ادای جملات توسط کاراکترها متفاوت است. لحن شاید نخ نامرئی تسبیحی باشد که خواننده در دست می چرخاند، و ضرورتاً با ساختمان اثر (ساختار بیرونی متشکل از ترتیب و تنظیم چینش عناصر داستانی) مترادف یا حتی موازی نیست. اگر کلیت یک اثر را بتوان با ظرفی حاوی مایعی مقایسه کرد، جنس آن مایع (آب، نوشابه، یا...) محتوا، قالب کلی ظرف (پارچ، لیوان، یا...) فرم و قالب به خصوص ظرف (شکل بیرونی و درونی ظرف) می تواند ساختار باشد (تبرایی ۲۰۰۸).

بازآفرینی لحن کلام در ترجمه همواره مشکل آفرین بوده است. تا کنون هیچ پژوهش مدونی پیرامون بازآفرینی لحن کلام در ترجمه صورت نگرفته است. این مقاله به بررسی جایگاه لحن کلام و شیوه ی بازآفرینی آن در ترجمه ی رمان «بازمانده ی روز» (اثر دریابندری) می پردازد. در این مقاله، ترجمه ی رمان مذکور و متن انگلیسی آن مورد بررسی تطبیقی قرار خواهند گرفت. هدف از نگارش این مقاله، بررسی علل

موفقیت دریابندری در بازآفرینی لحن کلام استیونز، قهرمان اصلی داستان، می باشد. این پژوهش بر مبنای تقسیم بندی هالیدی از عناصر لحن کلام، صورت گرفته است.

«بازمانده ی روز» سومین رمان از هشت کتابی است که کازئو ایشی‌گورو نویسنده‌ی پنجاه و سه ساله‌ی انگلیسی ژاپنی تبار نوشته است؛ کتابی که به عقیده ی اغلب منتقدان جهان باعث شد نام کازئو ایشی‌گورو در لیست نویسندگان مهم و تأثیرگذار بریتانیا و جهان قرار بگیرد. هر چند بیشتر رمان‌های ایشی‌گورو برنده‌ی یکی از جوایز مهم ادبی انگلستان شده‌اند اما «بازمانده ی روز» که جایزه‌ی بوکر سال ۱۹۸۹ را از آن نویسنده‌ی خود کرده و از روی آن فیلمی هم ساخته شده؛ نسبت به دیگر آثار او با اقبال جهانی بیشتری رو برو بوده است. ایشی‌گورو را بیشتر تحت تأثیر نویسندگانی همچون جین آستن می‌دانند؛ حال آن که خود معتقد است بیشتر از مارسل پروست فرانسوی و داستایوفسکی روسی تأثیر گرفته است. با این همه، «بازمانده ی روز» لااقل در عنوان کتاب شباهتی جزئی با اثر به یادماندی مارسل پروست دارد (کمالی‌دهقان، ۱۳۸۶).

داستان‌های ایشی‌گورو آکنده از یأس و بدبینی است (دایره‌المعارف بریتانیکا). رمان بازمانده ی روز نیز از این قاعده مستثنی نیست. به باور بسیاری از منتقدان، این رمان یک اثر پسا امپریالیستی است. رمان بازمانده ی روز شرح حال خدمتکاری است که عمر خود را صرف خدمت به طبقه ی اشراف انگلستان کرده است و در پایان تباهی عمر خود و سقوط و اضمحلال طبقه اشراف انگلستان را به نظاره می‌نشیند. (برگرفته از وب سایت اسپارک نوتس)

لحن کلام در رمان بازمانده ی روز

در این مقاله به بررسی و تحلیل هنر دریابندری در بازآفرینی لحن کلام استیونز - شخصیت اصلی رمان «بازمانده روز» - خواهیم پرداخت. استیونز خدمتکاری است که عمر خود را صرف خدمت به طبقه ی اشراف انگلستان کرده است. استیونز - قهرمان اصلی داستان - شخصیتی خشک، رسمی و مبادی آداب است. این ویژگی‌های شخصیت استیونز به خوبی در لحن کلام وی منعکس شده است.

ایشی‌گورو خود در تحلیل شخصیت استیونز - قهرمان داستان - چنین می‌گوید:

استیونز آدمی است که خیلی دلش می‌خواهد در کار بزرگتری شرکت کند ولی فکر می‌کند که صرفاً یک سر پیشخدمت است و تنها کاری که از او بر می‌آید این است که برای آدم مهمی کار کند. مقدار زیادی از عزت

نفس خود را از طریق این فکر بدست می آورد که به مرد مهمی خدمت کند. اگر او آدمی بود که برایش اصلا اهمیت نداشت مساعی اش چگونه به کار گرفته می شود، آن وقت دیگر در پایان کار مرد در هم شکسته ای نبود (ورد ۱۳۷۸: ۶۶).

آن پونس (۱۳۷۶)، مفسر ادبی، نیز شخصیت استیونز را این گونه تحلیل می کند: در نوشته های ایشی گورو، هر کتاب از کتاب قبلی مایه می گیرد. در بازمانده ی روز، تجدید خاطرات استیونز نیز از رفتاری مشابه ناشی می شود. سر پیشخدمت دارلینگتن هال؛ متأثر از وسواس فکری برای مفهوم شرافت و درستکاری، از دلایل عدم تشخیص و کورکورانه عمل کردن در برابر رئیس سابقش که یک فاشیست بود دائماً رنج می برد و این افکار دائماً به سرش هجوم می آورند (۱۳۷۶: ۲۲).

دکتر علی خزایی فر، مترجم و استاد دانشگاه، نیز با تحلیل لحن کلام استیونز، چنین نتیجه می گیرد که « لحن وی، لحن رسمی و مضحک پیش خدمتی است». به باور دکتر خزایی فر، «صدای راوی داستان همان زبان و لحن اوست. زبان داستان شامل مجموع کلمات، ساختارها و تعبیرات بکار رفته است. لحن کلام نیز تاثیر حاصل از کاربرد این مجموعه عناصر است». دکتر خزایی فر با تحلیل ترجمه ی دریابندری، چنین نتیجه می گیرد که رمز موفقیت وی در بازآفرینی لحن راوی داستان، عدم اعتقاد به برابری لفظی، نوشتن متن از منظر زبان فارسی و بهره گیری از روش هایی چون تغییر بیان^۱ و جبران^۲ بوده است (۱۳۸۵: ۷۱).

دریابندری، خود، در مقدمه ی مبسوطی که بر این ترجمه نگاشته به توصیف شخصیت استیونز پرداخته است: راوی این داستان، استیونز، نمونه فرد اعلای باتلر^۳ انگلیسی است. چیزی که خیال آن هم هرگز از خاطرش نمی گذرد این است که ممکن است شرایط زندگی اجتماعی، او را در طبقه ی خاصی محبوس کرده و دیوار طبقاتی بلندی جلو حرکت و یا حتی فکر او را گرفته باشد. استیونز، محل و موقع طبقاتی خودش را قبول دارد و این را بارها به زبان می آورد (مقدمه ترجمه ۱۳۸۵: ۱۷).

^۱ Shift

^۲ Compensation

^۳ Butler

بازآفرینی لحن کلام راوی داستان

دریابندری در مقدمه مبسوط دشواری‌های بازآفرینی لحن کلام راوی داستان را اینگونه شرح می‌دهد: حقیقت این است که خود من هم پس از خواندن بازمانده روز، درآوردن آن را به زبان فارسی آسان نمی‌دیدم. مشکل در پیدا کردن صدایی بود که بتواند جانشین صدای راوی داستان بشود (۱۳۸۵: ۱۸).

دریابندری پس از تحلیل لحن کلام استیونز، راه حل جالبی برای این مشکل بدست می‌دهد: به زودی به این نتیجه رسیدم که چیزی بسیار نزدیک به این صدا از لابلائی سفرنامه‌ها و خاطرات و مکاتبات دوره قاجار به گوش می‌رسد- البته در آنچه که در زبان ارباب‌ها و نوکرها و پیش‌خدمت‌های آن دوره در خاطر‌ها مانده است. همین که این صدا پیدا شد، روند ترجمه در عمل نه تنها به آسانی پیش رفت، بلکه باید بگویم که دنبال کردن آن بسیار لذت بخش شد.

با وجود این، دریابندری در بازآفرینی لحن شخصیت اصلی داستان فقط به لحن کلام خدمتکاران قاجاری اکتفا نمی‌کند و از زبان عادی و روزمره مردم ایران در دوره فعلی نیز بهره می‌گیرد: اما گذشته از زبان کمابیش فراموش شده قاجاری، زبان عادی امروز ما هم، مانند زبان استیونز، سرشار از کلیشه‌های مستعمل و مکرر است. ما هم معمولاً مانند استیونز "نسبت به فلان کار اقدام می‌کنیم"، "به انجام آن مبادرت می‌ورزیم" یا "از انجام آن خودداری می‌کنیم" یا "آن را به عهده تعویق می‌اندازیم" یا "در آن تعجیل روا نمی‌داریم" یا "آن را در طاق نسیان می‌گذاریم" یا "از آن درس عبرت می‌گیریم" یا "با آن موافقت نشان می‌دهیم" یا "مخالفت می‌ورزیم" یا "از عهده آن بر نمی‌آییم" یا "آن را به عهده دیگری محول می‌کنیم" یا "خودمان آن را تقبل می‌کنیم" یا "آن را در شان خودمان نمی‌دانیم..." (۱۳۸۵: ۱۹)

به باور دریابندری، عبارات فوق، کلیشه‌هایی مرده و فرسوده هستند اما این کلیشه‌های مستعمل-که ظاهراً امروز به دور ریخته شده‌اند- جان تازه‌ای می‌گیرند و در آفرینش یک داستان جدید به کار گرفته می‌شوند (۱۳۸۵: ۲۰).

دکتر خزایی فر با تحلیل ترجمه دریابندری، چنین نتیجه می‌گیرد که رمز موفقیت وی در بازآفرینی لحن راوی داستان، عدم اعتقاد به برابری لفظی، نوشتن متن از منظر زبان فارسی و بهره‌گیری از روش‌هایی چون

تغییر بیان^۱ و جبران^۲ بوده است (۱۳۸۵: ۷۱). تغییر بیان به معنای تغییر ساختارهای زبانی و نیز تغییر زاویه دید متن اصلی در ترجمه است. در روش جبران، نیز، خلاصاً معنایی ناشی از ترجمه‌ی یک بخش از متن، در بخش دیگری از متن جبران می‌شود.

عناصر لحن کلام^۳

در هر ارتباط کلامی، رابطه‌ی خاصی میان گوینده و شنونده برقرار است و این ارتباط - به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه - در شکل پیامی که منتقل می‌شود تأثیر گذار است. این ویژگی‌های کلامی در قالب لحن کلام نمود می‌یابند. لحن کلام از عناصر متفاوتی تشکیل شده است که از آن میان می‌توان به رسمی بودن، مؤدبانه بودن، غیر شخصی بودن و دسترسی پذیری اشاره کرد.

رسمی بودن

رسمی بودن کلام به میزان توجه گوینده یا نویسنده به ساختار کلام مرتبط است. هر قدر که میزان توجه و دقت گوینده/شنونده در تولید ساختارهای کلامی بیشتر باشد، کلام وی رسمی‌تر خواهد بود. رسمی بودن کلام از سوی دیگر به میزان اهمیتی که گوینده/نویسنده برای پیام خویش قائل است و نیز میزان توجهی که وی از شنونده یا خواننده انتظار دارد وابسته است.

رسمی بودن را می‌توان به شیوه‌های مختلفی ایجاد کرد. به عنوان مثال، زبان انگلیسی که از حیث ابزارهای انتقال ویژگی «رسمی بودن» بسیار غنی است از عناصر واژگانی خود برای رسمی کردن کلام بهره می‌گیرد. به عنوان مثال می‌توان به زوج‌های *get - obtain* و نیز *large-big* اشاره کرد. گذشته از این، برای رسمی کردن کلام می‌توان از گزینه‌های نحوی نیز بهره گرفت. به عنوان مثال، در زبان انگلیسی برای رسمی کردن

¹ Shift

² Compensation

³ Tenor

لحن کلام از ساختارهای پرانتزی^۱ (*parenthetical*) استفاده می‌شود. برای نمونه می‌توان جمله‌ی زیر را ارائه کرد:

King Karactacus court's ladies' nose-powdering boy.

در جمله‌ی فوق نویسنده برای رسمی کردن کلام خود، به جای عبارت "lady of court" از "court's lady" کرده است. کاربرد این ساختار نحوی خاص موجب رسمی‌تر شدن کلام می‌شود (بل ۱۹۹۱: ۱۸۶).

مؤدبانه بودن^۲

ویژگی «مؤدبانه بودن» به فاصله‌ی اجتماعی میان گوینده/نویسنده از یک سو و شنونده/خواننده از سوی دیگر. اشاره دارد. این فاصله‌ی اجتماعی دارای دو بعد افقی یا عمودی است. بعد افقی نشان دهنده‌ی فاصله‌ی میان گروه‌های مختلف اجتماعی است (مانند فاصله‌ی اجتماعی میان کارمندان و کارگران). فاصله افقی به معنای برتری یا تفوق یک گروه بر گروه دیگر نمی‌باشد. بعد عمودی، از سوی دیگر، نشاندهنده‌ی فاصله‌ی اجتماعی میان فرد ارشد و افراد زیر دست اوست. این نوع فاصله نشاندهنده‌ی سلسله مراتب قدرت می‌باشد (مانند فاصله اجتماعی میان رئیس و کارمندان). در هر دو مورد، گویشوران زبان از لحنی مؤدبانه‌تر برای انتقال پیام خویش بهره می‌گیرند.

در بسیاری از زبان‌ها انتقال پیام از طریق نظام‌های خطاب^۳ صورت می‌گیرد. به عنوان مثال، در زبان فارسی برای خطاب مؤدبانه از لفظ شما و در زبان فرانسه از vous. استفاده می‌شود یکی از راه‌های دیگر مؤدبانه کردن خطاب‌ها، استفاده از واژگانی است که برای تعدیل کردن درخواست بکار می‌روند؛ به عنوان مثال می‌توان در فارسی پس از طرح درخواست از لفظِ لطفاً استفاده کرد (بل ۱۹۹۱: ۱۸۷).

¹ Parenthetical

² Politeness

³ Address systems

غیر شخصی بودن^۱

غیر شخصی بودن به این ویژگی لحن اشاره دارد که تا چه میزان گوینده/نویسنده از ارجاع مستقیم به شنونده/خواننده و یا خودش احتراز می کند. این ویژگی بیشتر در نوشته ها به چشم می خورد و نشانه آن است که محتوای پیام بسیار مهم تر از گوینده یا شنونده می باشد.

نمونه هایی از این ویژگی را می توان در متون دانشگاهی، اداری و حقوقی مشاهده کرد. در این متون، لحن غیر شخصی در قالب ضمائر، ساختارهای مجهول و اسامی عام منعکس می شود. به عنوان مثال، در متون غیرشخصی، به جای بردن نام افراد از عناوین و القابی چون آقا، استاد یا دکتر استفاده می شود. کاربرد اسامی عام و ساختارهای مجهول نیز به غیر شخصی شدن کلام کمک می کند زیرا در این ساختارها به جای گوینده/شنونده بر محتوای کلام تأکید می شود (بل ۱۹۹۱: ۱۸۷).

دسترسی پذیری^۲

در ویژگی دسترسی پذیری لحن، برخلاف ویژگی رسمی بودن - که در آن بر اهمیتی که گوینده/ نویسنده برای پیام خویش قائل است تأکید می شود- بر دانسته های مشترک میان گوینده و شنونده تأکید می شود. دانسته های مشترک میان گوینده و شنونده به اطلاعات آنها از جهان پیرامونشان مربوط می باشد. به سخن دیگر، دسترسی پذیری لحن بدان معناست که گوینده/نویسنده در انتقال پیام بر جنبه های مشترک میان خود و مخاطب تأکید نمایند.

یکی از ابزارهای مؤثر در انتقال ویژگی دسترسی پذیری، استفاده از واژگان مناسب است. به عنوان مثال، متخصصان حوزه های گوناگون علمی از اصطلاحات و تعابیر ویژه ای استفاده می کنند. پر واضح است که

¹ Impersonality

² Accessibility

معنای این اصطلاحات و تعابیر تخصصی را فقط افرادی درک می‌کنند که به زیر و بم و زبان آن حوزه ی تخصصی آشنا باشند(بل ۱۹۹۱: ۱۸۸).

بهره‌گیری در یابندری از لحن کلام چاکران دربار قاجار چنانچه پیشتر نیز اشاره شد، در یابندری برای بازآفرینی چهار ویژگی اصلی لحن کلام- رسمی بودن، مودبانه بودن، غیر شخصی بودن و دسترسی پذیری- از لحن کلام چاکران قاجاری در ترجمه ی خویش بهره گرفته است. این چهار ویژگی لحن کلام را در بسیاری از آثار ادبی دوران قاجار- بویژه خاطرات درباریان قاجار- به وفور میتوان یافت. در ادامه، نمونه هایی از لحن کلام چاکران در بار قاجار ارائه گردیده است. شباهت میان لحن کلام این چاکران را با لحن کلام استیونز- راوی داستان- را میتوان به خوبی مشاهده کرد: صبح در رکاب شاه سوار شدم..خیال شاه پریشان بود.آن چه خودشان فرمودند و از دیگران هم شنیدم معلوم شد که گوسفند ملیجک را زده است!!!

خدمت شاه رسیدم.با خستگی زیاد و محض تملق دو ساعت آن جا نشسته،خنده های بی مزه و بی توقع کرده،با پا درد و کمر درد منزل آمدیم(برگرفته از روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه)
طنز:(لندن در بازدید از نمایشگاه آلبرت هال): صورت خری دیده شد ،خوب کشیده بودند پرسیدم قیمتش چندانست ...گفتند صد لیره ،گفتم قیمت خر زنده متها پنج لیره است ،این که شکل خراست چرا باید به این گرانی باشد رئیس گفت چون خرجی ندارد ،جو وکاه نمی خورد .گفتم اگر چه خرجی ندارد اما مصرفی هم ندارد بار نمی کشد وسواری نمی دهد .بسیار بسیار خندیدیم (برگرفته از کتاب خاطرات ناصرالدین شاه)

بازآفرینی عناصر لحن کلام در رمان بازمانده ی روز

چنانچه پیشتر نیز اشاره شد، در یابندری لحن کلام استیونز- راوی اصلی داستان را به نحوی هنرمندانه بازآفرینی کرده است. چنین به نظر می رسد که در یابندری- به شکلی خودآگاه یا ناخودآگاه- عناصر لحن کلام را در ترجمه ی خویش باز آفرینی کرده است. در ادامه ی این مقاله به تحلیل سه عنصر مهم لحن کلام راوی داستان- رسمی بودن، مؤدبانه بودن و غیر شخصی بودن- و نحوه ی بازآفرینی این عناصر را در ترجمه ی در یابندری مورد تحلیل و بررسی قرار خواهیم داد.

رسمی بودن

چنانچه پیشتر نیز اشاره شد، استیونز-راوی و شخصیت اصلی رمان بازمانده ی روز- در گفتار خود از لحنی بسیار رسمی استفاده می کند. همانطور که پیش از این اشاره شد، برای رسمی کردن لحن کلام می توان از واژگان یا ساختار های نحوی رسمی بهره گرفت. به عنوان مثال، در جمله ی زیر راوی داستان از دو لفظ بسیار رسمی استفاده کرده است. دریابندری نیز برای بازآفرینی همان لحن رسمی از واژگان رسمی دوره قاجاری- یعنی رجال و مخدرات- استفاده کرده است.

"The participants had been limited to just eighteen very distinguished **gentlemen** and two **ladies** - a German countess and the formidable Mrs Eleanor Austin"

"تعداد شرکت کنندگان منحصر شده بود به هجده نفر از رجال و دو نفر از مخدرات: یک کنتس آلمانی و خانم الینور اوستین"

در جملات انگلیسی زیر، بکارگیری نوع خاصی از ساختار ملکی سبب رسمی شدن کلام شده است. در این مثال نیز دریابندری کوشیده است تا با بکارگیری الفاظ رسمی- مرحوم لرد- لحن کلام راوی داستان را در ترجمه خود بازآفرینی نماید.

"It is hardly my fault if **his lordship's life** and work have turned out today to look, at best, a sad waste - and it is quite illogical that I should feel any regret or shame on my own account"

"تقصیر بنده چیست که زندگی و کار مرحوم لرد حالا تلف شده به نظر می آید- هیچ دلیلی ندارد که بنده از این بابت افسوس بخورم یا شرمسار باشم"

مؤدبانه بودن

چنانچه پیشتر نیز اشاره شد، استیونز در گفتار خود از لحنی بسیار مؤدبانه استفاده می کند. پیش تر نیز گفتیم که برای مؤدبانه کردن لحن کلام می توان از ضمائر جمع(در خطاب ها) و نیز از لفظ لطفاً (یا الفاظ مشابه آن) برای تعدیل درخواست بهره گرفت. به عنوان مثال در جملات زیر استیونز برای تعدیل کردن لحن

درخواست های خود و مودبانه کردن آن از ترکیبات نحوی خاصی استفاده کرده است. دریابندری نیز در ترجمه ی خود برای باز آفرینی لحن مؤدبانه ی راوی داستان از تعدیل کننده هایی چون « از شما خواهش می کنم» و «خیلی از شما متشکرم» استفاده کرده است.

"**May I ask you in future, Miss Kenton, to address my father as 'Mr Stevens'?**"

میس کنتن، ممکن است از شما خواهش کنم که در آینده پدر مرا "آقای استیونز" خطاب کنید؟

If you are referring to him to a third party, then you may wish to call him 'Mr Stevens senior' to distinguish him from myself. **I'm most grateful, Miss Kenton.**"

اگر در خطاب به شخص ثالثی بخواهید از ایشان اسم ببرید، بگویید "آقای استیونز بزرگ" که با من اشتباه نشود. خیلی از شما متشکرم، میس کنتن"

غیر شخصی بودن

چنان که پیشتر نیز اشاره شد، استیونز در گفتار خود از لحنی بسیار غیرشخصی استفاده می کند. برای غیرشخصی کردن لحن کلام می توان بجای خطاب مستقیم نام افراد از عناوین و القاب آنها استفاده کرد. در جملات زیر، دریابندری، لقب اشرافی Sir را به «قربان» و ضمیر You را به «جناب شریف» ترجمه کرده است. استیونز در کلام خود از خطاب کردن مستقیم افراد خودداری می کند. دریابندری نیز با اجتناب از بکارگیری خطاب مستقیم موفق به باز آفرینی لحن غیر شخصی کلام راوی داستان در ترجمه ی خود شده است.

"Do I understand, **sir**," I said, "that **you** wish me to convey the information to the young gentleman?"

"بنده عرض کردم: **قربان** منظور **جناب شریف** این است که بنده آن اطلاعات را به آقای جوان بدهم؟"

نتایج

در این مقاله به بررسی جایگاه لحن کلام و شیوه بازآفرینی آن در ترجمه ی رمان "بازمانده ی روز" (اثر دریابندری) پرداخته ایم. در این مقاله، ترجمه رمان مذکور و متن انگلیسی آن مورد بررسی تطبیقی قرار گرفته

اند. این پژوهش بر مبنای تقسیم بندی هالیدی از عناصر لحن کلام، انجام شده است. بر اساس نتایج بدست آمده، درک صحیح مترجم از عناصر لحن - رسمی بودن، مودبانه بودن و غیرشخصی بودن - سبب شده است تا لحن شخصیت اصلی داستان به شیوه ای هنرمندانه بازآفرینی شود. بررسی های صورت گرفته حاکی از آن است که دریابندری لحن کلام شخصیت اصلی داستان را با استفاده از لحنی معادل به شیوه ای هنرمندانه در ترجمه ی خود بازآفرینی کرده است. دریابندری برای انتقال هر چه بهتر لحن کلام شخصیت اصلی داستان از لحن رسمی و چاپلوسانه ی منشیان و خدمتکاران قجری بهره گرفته است. بسیاری از واژه ها و ترکیبات بکار رفته در ترجمه ی رمان «بازمانده ی روز» را در متون منثور دوره قاجار- همچون خاطرات ناصرالدین شاه و خاطرات اعتماد السلطنه- می توان یافت. اگرچه واژگان و تعبیری که در ترجمه ی این رمان بکار رفته اند در زبان فارسی امروز به کلیشه هایی کهنه و مستعمل تبدیل شده اند، دریابندری با هنرمندی خود به این تعبیر جانی تازه بخشیده و آنها را در بازآفرینی لحن کلام در ترجمه خود به کار گرفته است. بر اساس بررسی های صورت گرفته در این نوشتار می توان چنین نتیجه گرفت که آشنایی مترجمان ادبی با سنت ادبی دوره های پیشین در موفقیت آنان تاثیر بسزایی دارد. این مسأله نشان دهنده زمینه های همکاری میان پژوهشگران حوزه ادبیات فارسی و مطالعات ترجمه است.

منابع و مراجع

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن بن علی (۱۳۴۵). روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه مربوط به سالهای ۱۲۹۲ تا ۱۳۱۳ هجری قمری. از روی یگانه نسخه موجود در آستان قدس. تهران، امیر کبیر.
- ایشی گورو، کازوئو (۱۳۸۵). بازمانده روز، ترجمه نجف دریابندری. تهران، نشر کارنامه.
- پونس، آن (۱۳۷۶). دنیای آرمانی کازوئو ایشی گورو. ماهنامه جهان کتاب، ش ۴۵، ص ۲۲.
- تعریف لحن، (بر گرفته از وب سایت تبیان)
- قابل دسترسی در: <http://adabiatbaharan.blogfa.com/post-2.aspx> (۲۰ بهمن ۱۳۸۸).
- خزایی فر، علی (۱۳۸۵). نقد ترجمه بازمانده روز. فصلنامه مترجم، ش ۴۴، ص ۷۱.
- صاحبان زند، سجاد (۱۳۸۷)، جهان کافکایی ترجمه، ترجمه ادبی در گفت و گو با امیرجلال الدین اعلم، روزنامه شرق، ۱۷ اسفند ۱۳۸۷.

قاضی، محمد (۱۳۶۷)، ویژگی‌های یک ترجمه خوب ادبی برگرفته از درباره‌ی هنر و ادبیات، به کوشش ناصر حریری، بابل، کتاب سرای بابل.

قابل دسترسی در: <http://aryaadib.blogfa.com/post-503.asp> (۲۰ بهمن ۱۳۸۸).

کمالی دهقان، سعید (۱۳۸۶). درباره‌ی کتاب «بازمانده روز» نوشته‌ی «کازوئو ایشیگورو»، روزنامه شرق، ۸ خرداد ۱۳۸۶.

ناصرالدین قاجار، شاه ایران (۱۳۶۹). روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان. تهران، رسا. وردا، آلن (۱۳۷۸). بازمانده روز: روایت در سرعت صفر. ترجمه مزده دقیقی. دو ماه نامه کیان، ش ۴۷، ص ۶۷-۶۲.

Bell, R. T. (1991). *Translation and Translating: Theory & Practice*. London & New York: Longman, Pp.186-8.

Biography of “Kazuo Ishiguro”: [Online].

Available at: <http://fa.wikipedia.org/w/index.php>

Criticisms of “The Remains of The Day”: [Online].

Available at: <http://www.sparknotes.com/lit/remains/context.html>

Ishiguro, Kazuo (1956). *The Remains of The Day*. London: Qalamestan_ e Honar.

Newmark, P. (2001). *A Textbook of Translation*. London: Prentice Hall, pp. 282-285.

Themes of the Novel “The Remains of the Day”: [Online].

Available at: <http://www.britannica.com/EBchecked/topic/295306/Kazuo-Ishiguro>